

متن پرسش

سلام علیکم: در کتاب ده نکته از معرفت النفس فرمودید: «از طرفی آن ملکه علمی با مظاهر گوناگون خود در صورت خیالی و لفظی، دارای یک وحدت حقیقی است و چون رابطه بین لفظ مربوط به آن معنی، یک رابطه حقیقی است و واقعا بین آنها وحدت جاری است، وقتی هم کسی آن الفاظ را شنید، همان معنا را که مورد نظر شماست می فهمد، در حالیکه وقتی به صورت تجافی از مبدا خود صادر شده باشد دیگر چنین وحدتی بین شیء و مبدا آن حاکم نیست. و این رابطه بین نفس و صورت ذهنی و صورت الفاظ آن شبیه ایجاد نسبت صدوری و ایجاد نفس رحمانی در عالم است.» من متوجه این مطلب نشدم هر چند با بحث مثال اینکه آن بحث عقلی صورت دهنده به الفاظ و صور ذهنی است ارتباط برقرار کردم اما اینجا چه منظوری مد نظرتان است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می‌کنم در بحث «نظام طولی» و موضوع تشکیک وجود در «برهان صدیقین» مسائل این‌چنینی روشن می‌شود. موفق باشید